

صحابه در افلاک؛ سیرت و رفتار عاشورا و عصر ظهور

دکتر محمدرضا سنگری

جان یاران عاشورا از معرفت لبریز است و جام وجودشان از محبت سرشار. در نهایت تشنگی، در محاصره تیغ‌ها، در فضایی که مرگ‌خیز و آتش‌ریز است، حماسه‌های شورانگیز را رقم می‌زنند و بی‌هراس از خطر به مبارزه می‌ایستند. این ویژگی در صحابه امام موعود نیز دیده می‌شود.

مهدی (عج) می‌فرماید: «آگاه باشید! هر آن کس که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر و امامان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید؛ بردگان و ملت‌هایی اسیر را آزاد سازد، جمعیت گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی (عج) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آنچنان که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند. دیدگان‌شان با قرآن روشنایی گیرد و در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین افکند و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند».

تنها حکمت‌نوشان و تفسیرنوشان می‌توانند همپای موعود، فتنه‌ها را بشکنند و دروغ و فریب را در هم کوبند. آنان که از چشمه‌سار قرآن سیراب می‌شوند و معرفت قرآنی دارند، دشمن‌شناسند و در عرصه جهاد و ایثار پایدار. در کربلا، امام یک شب امان و مهلت می‌طلبد و می‌گوید ما شیفتگان عبادت و زمزمه قرآنیم و شب عاشورا، فضا عطرآمیز از نسیم نفس‌های قرآنی و دلاویز از زمزمه‌های عاشقانه و عرفانی است. هر آن کس که با عاشورا آشناست و بی‌تاب ظهور و حضور در جمع صحابه مهدی (عج) است، با حکمت و معرفت قرآنی همدم است که «بی‌معرفت» قرآنی، نه عاشورا، عاشورا می‌شد و نه حکمت مهدوی محقق می‌شود.

نکته لطیف و مشترک در میان صحابه دو انقلاب، عشق‌ورزی به قرائت قرآن است. در وصف شب عاشورا گفته‌اند: «لهم دوی کدوی النحل؛ زمزمه خیمه‌ها چون زمزمه کندوی عسل بود» و در وصف یاران امام موعود نیز گفته شده است که روشنی چشم آنها «تنزیل» و نغمه دلپذیر و گوش‌نواز زندگی‌شان تفسیر قرآن است. آیا جز این است که تلاوت قرآن، آرامش می‌بخشد و جان را از طمأنینه لبریز می‌کند و در پرتو همین آرامش و طمأنینه، طوفان‌ها و بحران‌ها را می‌توان شکست و به ساحل امن و امان می‌توان رسید؟

پذیرش عارفانه و عاشقانه

ره‌توشه سالکان و مجاهدان راه حق، معرفت و محبت است. عبور از سنگلاخ‌ها، عقبه‌ها و جاده‌های خطر‌خیز و دشوار، راه‌شناسی می‌خواهد و عشق‌ورزی. شناخت راه، به راهرو آمادگی روحی می‌بخشد و عشق و شوق رسیدن، تلخی‌ها و ناهمواری‌ها را آسان می‌سازد.

صحابه عاشورا، جانی مهذب و عاشق و نگاهی حقیقت‌بین و روشن دارند و همین، دلیل تسلیم محض پیروان سرسپرده‌ای است که در انتظار سرنوشت خونبار خویش تشنه‌اند. امام عاشورا حتی در شب عاشورا درها را می‌گشاید تا جان‌های متزلزل و دل‌های مذبذب و مردد بروند. در منزل زباله - یکی از منازل مسیر مکه به عراق - وقتی خبر شهادت سقیر فداکارش، عبدالله بن بقطر رسید، امام، همگان را جمع کرد و نامه‌ای را که در آن خبر شهادت عبدالله بود، در دست گرفت و فرمود: «خبری دردناک رسیده است که مسلم‌بن عقیل و هانی‌بن عروه و عبدالله بن بقطر به شهادت رسیده‌اند. شیعه را شکسته و خوار ساخته‌اند. هر کدام از شما سر برگشتن دارد، برگردد که ما رشته بیعت از گردن او برداشتیم».

امام در طول مسیر به پالایش یارانش می‌پردازد تا تنها عاشقان و عارفان بمانند. آنان که در راه تحقق آرمان‌های الهی عاشقانه گام بردارند و با معرفت امام، چون و چرا و تردید نشناسند.

در کربلا، آخرین پرسش یاران آنگاه که خونین تن و پاره‌پاره افتاده‌اند این است که «اوقیت» یابن رسول الله؟ ای فرزند رسول خدا! آیا به عهد خویش وفا کردیم؟ و پاسخ امام این است: «نعم انت امامی فی الجنه؛ بله، شما پیش از من به بهشت رسیده‌اید».

جان یاران عاشورا از معرفت لبریز است و جام وجودشان از محبت سرشار. در نهایت تشنگی، در محاصره تیغ‌ها، در فضایی که مرگ‌خیز و آتش‌ریز است، حماسه‌های شورانگیز را رقم می‌زنند و بی‌هراس از خطر به مبارزه می‌ایستند.

این ویژگی نیز در صحابه امام موعود دیده می‌شود. امام علی (ع) در توصیف صحابه